

عوامل و زمینه‌های گسترش روابط دختران و پسران با رویکرد به عوامل شخصیتی

سیدرضا موسوی*

چکیده

دوران نوجوانی و جوانی در شکل‌گیری شخصیت هر فرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اختلال در هر یک از مؤلفه‌های شخصیتی (عقلانی، روانی، عاطفی، اخلاقی، رفتاری و...)، در سایر ابعاد وجودی فرد تأثیر منفی خواهد گذاشت. از این‌رو، روابط ویرانگر دختر و پسر، نشانه اختلال شخصیتی جوانان به شمار می‌رود. این پژوهش در نظر دارد عوامل و مؤلفه‌های شخصیتی روابط دختران و پسران را، با استفاده از قرآن کریم و روایات معصومان: و یافته‌های روان‌شناسی مورد بررسی قرار دهد. تحقیق حاضر، توصیفی - تحلیلی از نوع تحقیق کیفی است. نتیجه این نوشتار این است که میان شخصیت و روابط مطلوب و نامطلوب دختران و پسران، رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی هم شخصیت فرد در رفتارها و عواطف و چگونگی عکس‌العمل‌های فرد در برخورد با جنس مخالف نقش اساسی دارد و هم رفتارهای غیرعقلانی دختران و پسران، به تدریج در شکل‌گیری عادات، اخلاق و خلاصه در شخصیت ناسالم آنان مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: حدود روابط، شخصیت ناسالم، آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر.

مقدمه

پاسخ به یک سؤال اصلی و چند سؤال فرعی است. سؤال اصلی این است: عوامل فکری، روانی، عاطفی روابط دختران و پسران کدامند؟

سؤالات فرعی نیز عبارتند از:

- عوامل فکری روابط دختران و پسران کدامند؟
- زمینه‌های روانی روابط دختران و پسران کدامند؟
- عوامل عاطفی روابط دختران و پسران کدامند؟

مراد ما از رابطه دختر و پسر، رابطه‌ای است که در آن، دو جنس مخالف، با برخورداری از تمایلات و کارکردهای جنسی، در قالب کلامی و غیرکلامی (حرکات بدنی، وضعیت جسمی و...) به ارائه و دریافت پیامی می‌پردازند که محتوای آن را بیشتر محبت، صمیمیت، عاطفه و عشق و... شامل می‌شود. در این ارتباط، یک درهم‌تنیدگی بین غریزه جنسی و قوای عاطفی طرفین وجود دارد و اغلب از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه، تماس‌های تلفنی و... ایجاد می‌گردد.

مفهوم‌شناسی شخصیت

شناخت شخصیت،^(۱) هدف نهایی علم روان‌شناسی قلمداد شده است. در فرهنگ لغات، «شرافت، رفعت، بزرگواری و مرتبه و درجه» را، با شخصیت مترادف دانسته‌اند.^(۲) هر کدام از مکاتب روان‌شناسی، از منظر خود، شخصیت را تعریف کرده‌اند. پروین و جان می‌نویسند: «شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگی‌های فرد یا افراد است که شامل الگوهای ثابت فکری، عاطفی و رفتاری آنهاست.»^(۳) وارن،^(۴) شخصیت را مجموعه‌ای از خصوصیات عاطفی، عقلانی و جسمانی می‌داند که

از منظر قرآن کریم، انسان بر اساس شاکله و شخصیتش عمل می‌کند؛ یعنی انتخاب‌ها، رفتارها، واکنش‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و چگونگی ابراز عواطف او، برخاسته از شخصیت و هویت اوست. از شخصیت سالم، رفتارها و عواطف مثبت و سازنده سر می‌زند و از شخصیت ناسالم، رفتارهای و عواطف غیرمنطقی و ناشایسته بروز می‌کند. بنابراین، برای درک حیات پاکیزه و احساس امنیت و رضایت از زندگی و داشتن روابط منطقی و مطلوب با دختران و پسران، باید ساختار شخصیتی فرد، یعنی نظام باورها، اندیشه‌ها، عادات و ویژگی‌های اخلاقی را بر اساس معنویت و عقلانیت سامان داد. در زمینه پژوهش حاضر، تحقیق مستقلی ملاحظه نشد، اما در بخشی از مطالب برخی کتاب‌ها و مقالات، به موضوع نقش عوامل شخصیتی در پیدایی و گسترش روابط ناسالم دختران و پسران اشاره شده است، که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: *جوانان و روابط*، اثر ابوالقاسم مقیمی حاجی؛ *اخلاق رفتارهای جنسی*، تألیف یوسف غلامی؛ *ماده وجود زن*، نوشته پوران میرشاهی. امروزه با گسترش روابط ناسالم دختر و پسر و آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن، بر روی مؤلفه‌های روانی، عاطفی، رفتاری و معنوی جوانان (به خاطر فریفتگی و از دست دادن گوهر حیا و عفت)؛ و تخریب خانواده (به خاطر نگرانی‌ها، ایجاد جو بدبینی و خیانت‌های همسران)، به تدریج در حال تبدیل شدن به یک معضل اجتماعی، فرهنگی و دینی است، بنابراین، ضروری است آگاهان دلسوز و محققان آشنا برای حل این بحران اجتماعی، اقدام به‌هنگام و مؤثری انجام دهند. این پژوهش درصدد

ساخت و هیئت واحد روانی انسان که در اثر تعامل وراثت، محیط و اختیار شکل گرفته، به گونه‌ای که محرکات محیطی را منطبق با خود تفسیر کرده و در مقابل آنها به شیوه‌ای خاص پاسخ می‌دهد.^(۹) راغب اصفهانی در تعریف شاکله می‌گوید: شاکله، در اصل از ماده «شکل» به معنی بستن حیوان و «شکال» به معنای پایبند حیوان است، و از آن رو که روحیات و سجایا و عادات هر انسانی، او را مقید به رویه یا رفتاری خاص می‌کند، به آن شاکله می‌گویند. وی در تفسیر آیه «قُلْ كُلُّ يَوْمٍ يَكُونُ لَكُمْ عُقُوبَةٌ يُغِيثُ اللَّهُ الَّذِينَ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ الَّذِينَ يَشَاءُ اللَّهُ غَافِلٌ عَنِ الْغَافِلِينَ» (اسراء: ۸۴)؛ می‌نویسد: هر کسی بر نهاد و سرشتی که او را مقید کرده، عمل می‌کند؛ زیرا قدرت سرشت، بر انسان غالب و قاهر است.^(۱۰) به اعتقاد مدرّسی، «مردمان از لحاظ مقدار بهره‌ای که از وحی می‌برند، با یکدیگر متفاوتند و منشأ این تفاوت‌ها، شخصیت‌های درونی آنها، که برخاسته از صفات و عادات مختلف آنهاست می‌باشد. علی‌رغم اینکه خداوند به آدمی، قدرت و معرفت ویژه‌ای بخشیده است تا انسان بتواند شخصیت خویش را در جهت سازندگی طراحی کند، اما اسیر شخصیت رشد نیافته‌اش می‌شود و در برابر جبهه حق، موضع‌گیری خصمانه‌ای دارد و این نوع رفتارها با معارف الهی، متأثر از شخصیت نابهنجار و برآمده از صفات، عادات و ملکات اوست.»^(۱۱) علامه طباطبائی نیز در تفسیر آیه ۸۴ سوره اسراء، می‌نویسد: «این آیه، رفتار انسان را مترتب بر "شاکله" او می‌داند؛ به این معنا که عمل هر چه باشد مناسب با اخلاق آدمی است، چنانچه گفته‌اند: "از کوزه همان برون تراود که در اوست"، پس شاکله، نسبت به عمل، نظیر روح در بدن است. این اصل هم با تجربه و هم در مباحث علمی، به

افراد را متمایز می‌کند.^(۵) مایلی می‌نویسد: «شخصیت یک کلیت روان‌شناختی است که فرد معینی را مشخص می‌کند.»^(۶) شخصیت در نگرش دانشمندان اسلامی، از تباط مستحکمی با انسان‌شناسی اسلامی، که آدمی را موجودی متشکل از جسم و روح می‌داند، دارد. غزالی، با تأسی بر حدیث «کل مولود یولد علی الفطرة» به طبیعت ثابت در انسان معتقد است. و در کتاب الاربعین، چهار عنصر را جزء طبیعت آدمی برمی‌شمارد: ۱. سبعیت (تمایل به غضب)؛ ۲. بهیمیت (تمایل به غذا و تمایل جنسی)؛ ۳. شیطانیت (دو تمایل قبلی را به خدمت می‌گیرد)؛ ۴. ربانیت (شوق برای اتصاف به صفات الهی یا همان تمایل عالی است). از نظر او، به تبع هر یک از این عناصر، خلقی در آدمی پدید می‌آید. در اثر عنصر سبعیت، آدمی کار سگ و گرگ و شیر می‌کند؛ مانند دشمنی و زدن و کشتن. در اثر عنصر بهیمیت (شهوت)، کار تهاجم را انجام می‌دهد؛ مانند حرص. از نظر غزالی، آنچه بیش از هر امر دیگری بر نفس هر آدمی چیره می‌گردد، تمایل عصبی و شدید به غذا و تمایل و شهوت جنسی است؛ به این دلیل که انسان این دو نوع تمایل را برای ادامه حیات شایسته‌تر می‌بیند.^(۷) همچنین می‌گوید: شهوت جنسی، مسلط‌ترین و سرکش‌ترین تمایلات نسبت به فرمان عقل است.^(۸)

دکتر احمدی با توجه به آیه «قُلْ كُلُّ يَوْمٍ يَكُونُ لَكُمْ عُقُوبَةٌ يُغِيثُ اللَّهُ الَّذِينَ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ الَّذِينَ يَشَاءُ اللَّهُ غَافِلٌ عَنِ الْغَافِلِينَ» (اسراء: ۸۴)؛ شاکله، را معادل مفهوم شخصیت در روان‌شناسی می‌داند و در تعریف آن می‌نویسد: شاکله، به مجموعه‌ای از نیات، خلق و خوی، حاجات، طرق و هیئت روانی انسان گفته می‌شود. وی معتقد است: «شاکله انسان، عبارت است از

روان‌شناسی معاصر همه چیز در دنیا خلاصه می‌شود؛ چراکه یکی از مهم‌ترین پایه‌های فکری لیبرالیسم و اومانیسم است. اومانیسم: یعنی: انسان‌مداری یا انسان‌محوری و انسان‌مرکزی. در اومانیسم، محور همهٔ امور انسان است و ارزش‌ها، با میزان «می‌خواهم» انسان ارزیابی می‌شود. از این‌رو، در این منطق، کنترل‌گریزهٔ جنسی و رعایت حدود و مرزهای اخلاقی در روابط دختران و پسران، بی‌معنا و غیرضروری است.

نیاز معنوی و سلامت شخصیت

نیازهای عالی انسان و سلامت روان، در اندیشهٔ اسلامی با معنای آن در فلسفهٔ اومانیسم، بسیار متفاوت است؛ زیرا نگاه این دو به مبدأ هستی، جهان آخرت، جهان آفرینش، انسان، سعادت و شقاوت، شیوهٔ زندگی، اخلاق، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های زندگی کاملاً متفاوت است. در فرهنگ اسلامی، نیاز معنوی انسان، از مهم‌ترین نیازهای آدمی به شمار می‌رود که تنها از طریق انس با خدا و ذکر دایم تأمین می‌شود. از نظر قرآن کریم، جهان آفرینش بیهوده خلق نشده، بلکه تمامی اجزا و عناصر تشکیل‌دهندهٔ آن، برای هدف و غرض مشخصی خلق شده‌اند.^(۱۴) بنابراین، نقطهٔ آرمانی سلامت روان در اسلام، رسیدن به کمال مطلوب انسانی یعنی قرب پروردگار است. اما در روان‌شناسی معاصر، از ضرورت ارضای نیاز معنوی که تنها با انس با خداوند رحمان امکان‌پذیر است، یاد نشده است. برای مثال، در سلسله‌مراتب نیازهای مازلو، از ذکر نیازهای معنوی و الهی خبری نیست. از دیدگاه مازلو، انگیزش اصلی و اساسی انسان سالم و ایمن،

اثبات رسیده است که میان حالات نفسانی با اعمال انسان، رابطهٔ ویژه‌ای برقرار است... مثلاً، برخی در برابر نیاز به خوراک و غریزه جنسی، نسبت به دیگران بسیار آسیب‌پذیرند و آنان را بی‌طاقت می‌سازد.^(۱۲) وجه اشتراک تعریف شخصیت، در روان‌شناسی معاصر و اسلامی این است که در هر دو نظریه، رفتار و انتخاب فرد را برابری شخصیت می‌دانند؛ یعنی افکار، عواطف و ویژگی‌های فیزیولوژیکی فرد، در شکل‌گیری رفتار خاص سهمیند. و اختلاف آن دو در تعریفی است که از انسان، راز آفرینش و ارزش‌های فکری و رفتاری آدمی بیان می‌کنند. در اندیشهٔ اسلامی، انگیزهٔ اصیل و اساسی شخصیت سالم، عشق به کمال مطلق است، و تنها مصداق «کمال مطلق و بی‌نهایت»، وجود خداوند متعال است؛ یعنی ذات مستجمع جمیع کمالات و صفات جلال و جمال به نحو علی‌الاطلاق. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «قلب در هیچ مرتبه از مراتب و در هیچ حدی از حدود، رحل اقامت نیندازد. آن کس که کمال را در سلطنت و نفوذ قدرت دانسته‌اند، اگر چنانچه سلطنت یک مملکت را دارا شوند، متوجه مملکت دیگر شوند، و اگر تمام روی زمین را در تحت سلطنت بیاورند و احتمال دهند در کرات دیگر بساط سلطنتی هست، می‌گویند که ای کاش ممکن بود پرواز به سوی آن عوالم کنیم و آنها را در تحت سلطنت درآوریم. بنابراین، کمال مطلق، معشوق همه است. تمام موجودات و انسان‌ها، یک‌دل و یک‌جهت گویند: ما عاشق کمال مطلق هستیم.»^(۱۳) از این‌رو، در این منطق، کنترل‌گریزهٔ جنسی معنادار و بایستنی است؛ چراکه راز آفرینش انسان، بندگی است و همه چیز با هدف نهایی خلقت سنجیده می‌شود. اما در

«رضایت از زندگی، پیوسته خود را در محضر خداوند دیدن»،^(۲۱) و «اهل دعا بودن و به راز نشستن با خدا در خلوت»^(۲۲) برخی از ویژگی‌های شخصیت سالم در اندیشه اسلامی هستند. از نگاه قرآن کریم، آنانی که از یقینی استوار و معرفت دینی کامل برخوردارند و اهل عبادت و بندگی هستند، از روان سالم و آرامش حیرت‌انگیزی برخوردارند.^(۲۳) در سخت‌ترین شرایط زندگی، توکل و امیدشان را از دست نمی‌دهند و حتی سخت‌کوشی و جهادشان هم ثمره ارتباط دائم آنان با خداست. از این رو، ادعای سلامت شخصیت، بدون ارتباط با منبع وحی و خالق متعال، یک فریب بزرگ و ادعای بی‌دلیل به شمار می‌رود.

دین و سلامت شخصیتی جوان

نسل جوان تنها قشر منحصر به فردی است که بیشترین روحیه تأثیرپذیری را داراست و به خاطر همین روحیه است که دختران و پسران نوجوان و جوان، مورد توجه اصلی دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار جهانی، برای سوق دادن آنان به انحرافات اخلاقی و رفتاری در طول تاریخ بودند و سقوط حاکمیت اسلامی در اندلس (اسپانیای فعلی) و یا سلطه غرب بر مسلمانان الجزایر، جنگ نرم و شیخون فرهنگی (استفاده از جدیدترین ابزار رسانه‌ای و تصویری) برای فساد فکر و رفتار جوانان مسلمان ایرانی، بهترین گواه این سخن است. به همین دلیل، در روایات بر اهمیت و برتری این مقطع سنی تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «جوانی‌تان را قبل از فرارسیدن پیری، غنیمت بدانید».^(۲۴) آن حضرت همچنین خطاب به والدین و مربیان می‌فرماید: «به شماها درباره نوجوانان و

«خودشکوفایی» است. خودشکوفایی به معنای حداکثر شکوفایی مداوم توانایی‌ها، استعدادها و ظرفیت‌هاست. به اعتقاد مازلو، این نیاز ما را وامی‌دارد تا به حداکثر آنچه لیاقتش را داریم تبدیل شویم.^(۱۵) اما در این دیدگاه و سایر نظریه‌های روان‌شناسی، حداکثر لیاقت انسان، قرب پروردگار نیست، بلکه همه چیز در نیازهای مادی و روانی او خلاصه می‌شود، و ارزش‌ها، با محوریت انسان تعریف می‌شوند، نه با مدار خداوند و ارزش‌های وحیانی. از این رو، هیچ‌کس نباید مانع آزادی انسان برای به حداکثر رساندن شهوت او شود. در این تفکر، هیچ‌کس حتی خدا هم حق دخالت در امور شخصی افراد را ندارد. آدمی، هرچه را بخواهد، شایسته است. به تعداد آدم‌ها برای زندگی قانون وجود دارد. هر کس، خدای خویش است. این تفکر، مروج اباحی‌گری و لالابالی‌گری در عرصه رفتار است. در این منطق، آن‌کس که دام فریب برای دیگران پهن می‌کند کار زشتی انجام نمی‌دهد؛ چون بر اساس «می‌خواهم» اوست. و کسی که به خاطر خدا، غریزه جنسی‌اش را کنترل می‌کند، برای خودش خوب است؛ زیرا اخلاق، نسبی است. اما در اندیشه اسلامی، رفتارها یا زشتند و یا نیک، و ارزش‌های اخلاقی مطلق‌اند، نه نسبی.

بر اساس آموزه‌های دینی، میزان سلامت آدمی به میزان دوری یا نزدیکی او به منبع قدرت مطلق وابسته است. از این رو، «اعتقاد به هدفمندی جهان آفرینش»،^(۱۶) «باور به جهان آخرت و جاودانگی انسان»،^(۱۷) «اعتقاد به دویعدی بودن آدمی»،^(۱۸) «احساس مسئولیت و رنج بردن از جهالت و گمراهی دیگران»،^(۱۹) «بصیرت و صبوری و دعوت به صبر»،^(۲۰)

و تجاوز جنسی، یکی از عواملی است که امنیت و سلامت خانواده را در معرض نابودی قرار داده است. در دنیای امروز، بدترین نوع تجاوز، تجاوز جنسی توسط محارم خونی همانند پدر، برادر، و... می باشد. این نوع تجاوز در کشورهای پیشرفته و مدرن به صورتی فراگیر ظهور کرده و به مرور در آن کشورها به صورت یک هنجار اجتماعی درآمده است. سازمان «بریس» در سوئد طی گزارشی اعلام کرد: حدود ۶ مورد از ۱۰ مورد تجاوز، در خانه و معمولاً توسط پدر بیولوژیک دختر صورت می گیرد. در ایالات متحده آمریکا نیز، پژوهش های زیادی که از اواسط دهه ۱۹۷۰ درباره تجاوز جنسی انجام گرفته، فراگیر بودن تجاوز جنسی و زنا با محارم در مورد زنان و کودکان را نیز تأیید کرده است. این امر به صورت بسیار شایع توسط پدران، برادران، پدران ناتنی یا برادران ناتنی صورت می پذیرد. سوء استفاده جنسی از کودکان در کشور انگستان نیز، تا ۹۰ درصد رشد را نشان می دهد.^(۲۷) «انتشار اخبار مربوط به شیوع انواع فسادهای اخلاقی در بین جوانان آمریکایی و غربی هر روز بیشتر می شود. البته شبکه های آمریکایی وابسته به دولت آمریکا ترجیح می دهند در این خصوص سکوت نمایند و از فاجعه ای که برای نوجوانان و دانش آموزان خود به واسطه پخش برنامه ها و فیلم های مستهجن هالیوودی ایجاد کرده اند سخن به میان نیاورند. روند رشد فساد در مدارس آمریکا حالتی تصاعدی داشته است. بر این اساس، با گذشت هر سال بر شدت و میزان انحرافات اخلاقی در این مدارس افزوده می شود. فسادهای جنسی و اخلاقی و خشونت های ناشی از حمل اسلحه در ایالات متحده با یکدیگر تلفیق شده اند و صحنه های غیرقابل تحمل را ایجاد نموده اند.»^(۲۸)

جوانان به نیکی سفارش می کنم که آنها دلی رقیق تر و قلبی فضیلت پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنان مرا پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوت من سر باز زدند و به مخالفت برخاستند.»^(۲۵) بنابراین، در تمام عمر هیچ برهه ای مهم تر از دوره نوجوانی و جوانی نیست. برای جوان، سؤالات متعددی در باب چیستی جهان، رابطه او با جهان، هدف از خلقت عالم، هدف از زندگی، بهترین شیوه زندگی، گزینش ارزش ها و باورها مطرح است. تمام این پرسش ها در راستای تعیین هویت است، و نیز در جستجوی معیارهایی است که بتواند بر اساس آنها، در مورد رفتار خود و دیگران قضاوت کند. و در صورتی که برای سؤالات خود، پاسخ درستی نیابد، بحران هویت رخ می نماید. به اعتقاد اریکسون، «هویتی را که نوجوان (و جوان) در صدد است به طور روشن با آن مواجه شود این است که "او کیست؟" نقشی را که باید در جامعه ایفا نماید چیست؟ آیا او کودک است یا بزرگسال؟»^(۲۶) بدین روی، دین اسلام می تواند سؤالات بی شمار او را پاسخ دهد و در شکل گیری شخصیت جوان، نقش بنیادین ایفا کند. به همین دلیل، زندگی بریده از دین، معنای خود را از دست می دهد. دین، آدمی را به سوی خدا و مبدأ کمال، دعوت کرده و شخصیت انسانی او را شکل می دهد، به قلبش ثبات و آرامش می بخشد و او را از سرگردانی نجات می دهد. «آگاه باشید! دل ها فقط با یاد خدا آرام می گیرند.» (رعد: ۲۸) اما از دستاوردهای بحران هویت، فزونی اضطراب، نگرانی، دلهره، دیوانگی و جنون است. (طه: ۱۲۴) از این رو، خشونت

این همان تبدیل دروغین حرص و شهوت، به عشق و ایثار است. پس در واقع، عشق ابزاری است برای فریب و سلطه بر دیگران. این است حقیقت عشق! بنابراین، عشق بزرگ‌ترین دروغ بشر امروز است که خود را گرفتار کرده است و خود اسیر فریب و دروغ خود گشته است. مردان به زنان گفتند که ما عاشقیم. پس شما باید تسلیم اراده ما باشید تا ما هر گاه که بخواهیم شهوت خود را ارضا کنیم و چون نمی‌خواستند به هیچ عهد و پیمانی استوار باشند، پس همه عاشق شدند تا بی‌مسئولیتی و هوس‌بازی خود را به پای عشق بنویسند.»^(۳۰) در اینجا به برخی از عوامل و زمینه‌های شخصیتی روابط دختر و پسر به اجمال اشاره می‌گردد:

۱. بی‌هویتی و بی‌هدفی در زندگی

انسانی که دارای هویت انسانی و دینی است، از وحدت هدف و رفتار برخوردار بوده و برای رسیدن به آن هدف و پایداری در مسیر حق، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد. اما انسانی که خودش را در کمتر از جایگاه انسانی می‌بیند، بنده خدایان متعددی خواهد شد که در زندگی از داشتن یک هدف مشخص و انسانی محروم است (زمر: ۲۹). منظور از هویت، داشتن شناخت واقعی از خود و جامعه است. این تصویر از شناخت واقعی خود، عمدتاً توسط والدین و مربیان ترسیم می‌شود. به همین علت، برخوردهای پرورشی و تربیتی در مقطع کودکی از اهمیت فراوانی برخوردار است. حال اگر هویت‌یابی، در این دوره با مشکل روبه‌رو شود، فرد به بحران هویت دچار می‌گردد. در میان انواع هویت، هویت دینی یکی از نیازهای اصیل انسانی به شمار می‌آید؛ زیرا

عوامل و زمینه‌های شخصیتی گسترش روابط ناسالم دختران و پسران (زنان و مردان)

اغلب عشق‌های خیابانی میان دختران و پسران، عشق‌های آتشین و تفتنی است و کمتر از عشق منطقی می‌توان نشان گرفت. عشق شهوانی یا آتشین، عشقی است که به واسطه جذابیت و کشش‌های جسمانی و جنسی شکل می‌گیرد. این عشق (عشق در نگاه اول)، فاقد منطق است، که با شدت آغاز شده و به سرعت فروکش می‌کند. در تعریف عشق تفتنی یا بازیگرانه نوشته‌اند: «این عشق بیشتر متعلق به دوران نوجوانی و جوانی است. افرادی که بارها عاشق می‌شوند، در این طبقه قرار دارند. عشق‌های رمانتیک و زودگذر، ابراز ظاهری عشق، کثرت‌گرا نسبت به شریک عشقی، در آن فریب خوردن وجود دارد. روابط در آن عمیق نیست. روابط طولانی مدت در آن غیرممکن است.»^(۲۹)

منشأ اغلب عشق‌های امروزی، نیاز غریزی و طبیعی جنسی است، که به دروغ آن را عشق می‌نامند: «غریزه جنسی در انسان باعث ایجاد شدیدترین نیازها در بشر گشته است. مرد میل جنسی بیشتری در قبال زن دارد. از این‌رو، مرد نیازمندتر از زن است. حال به جای اینکه نیاز خود را به طور واضح به وی بگوید چنین می‌گوید: "من عاشق تو هستم و جانم را نثار تو می‌کنم" بدین‌گونه، هم منت دوست داشتن بر سر زن نهاده است و هم زن را تسلیم خویش می‌سازد و به محض اینکه رضایت جنسی برقرار شد، عشق نیز از میان می‌رود؛ زیرا از ابتدا عشق نبوده است. تقریباً اکثریت عشق‌های امروزه از این دست می‌باشند. به همین سبب، هر عشقی چند صباحی بیشتر طول نمی‌کشد.

زنگار زدن دل و آنچه را که قرآن کریم با تعابیر «رین» ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾ (مطففین: ۱۴)، «زیغ» ﴿فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ﴾ (آل عمران: ۷)، «طبیع» ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾ (محمد: ۱۶)، «ختم» ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً﴾ (بقره: ۷)، بیان می‌کند می‌توان از علایم بحران هویت دانست.

ب) اگر انسانی در سه حوزه عقیده، گفتار و عملکرد دینی، منسجم و هماهنگ عمل کند، هویت دینی شکل خواهد گرفت. محصول هرگونه ناسازگاری بین سه امر مذکور، احساسی است که می‌توان آن را، احساس بحران هویت دینی نام نهاد. همچنین هرگونه افراط و تفریط در سه امر مذکور، انحراف از فطرت دینی و نتیجه‌اش بحران هویت دینی است.^(۳۲)

بنابراین، جوانی که خود را بنده خدا نبیند و هویت انسانی‌اش را درک نکند، چرا برای سلامت خود و جامعه، از لذت‌های مقطعی و تن دادن به روابط فسادانگیز دختر و پسر اجتناب ورزد؟... از این‌رو، «تا آن زمان که تلقی ما از انسان و برداشت ما از خویش دگرگون نشده و نقش انسان مجهول مانده و پیش او از این نقش، در حد تنوع، زندگی تکراری مدار بسته، خوشی‌ها و سرگرمی‌ها، بازیگر شدن و بازیچه ماندن و تماشاچی بودن خلاصه شده باشد، حجاب هیچ مفهومی نخواهد داشت و چیزی جز نابودی شادی‌ها، عنوان نخواهد گرفت. آنگاه برای رهایی از آن هزاران عذرخواهی داشت.»^(۳۳) همچنین افراد با هویت ناسالم، برای رسیدن به آمال و آرزوهای بلند و دست‌یافتنی و مدینه فاضله‌ای که رسانه‌های ملی و یا ماهواره‌ها تبلیغ می‌کنند، مرتکب جرایم می‌شوند. گاهی اوقات هم ارتکاب جرایم را تنها به عنوان یک کار تفننی و برای گذران اوقات

خداجویی و گرایش به پرستش از نیازهای فطری اوست؛ به این معنا که فرد، مستقل از هرگونه یادگیری، در درونش میل به خدایابی و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین تمایلی، احساس تعهد در قبال ارزش‌های مکتبی و انجام رفتارهای دینی است. بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی و ناسازگارانه نوجوانان را می‌توان ریشه در بی‌هویتی آنان تعلیل کرد. مسئولیت‌گریزی، دلزدگی و بی‌تفاوتی، از جمله آثار فقدان هویت هستند که در عرصه دینی، در قالب بی‌توجهی به فرمان‌های الهی، بی‌علاقگی نسبت به ارزش‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند. «انحراف از فطرت الهی، سبب دوستی با شیطان و فراموشی یاد خداوند می‌شود و در نتیجه، تعادل روانی انسان را بر هم می‌زند و موجبات افسردگی و اضطراب را فراهم می‌آورد.»^(۳۱)

با نگاهی عمیق می‌توان احساس هویت و بحران هویت دینی را در موقعیت‌های ذیل مشاهده نمود:
الف) هدف از آفرینش آدمی، خلافت و جانشینی خدا در روی زمین است؛ یعنی انسان به جایگاهی برسد که مظهر صفات جلال و جمال خداوند بشود، اما اگر آیین خلافت را به دست فراموشی بسپارد و برای خود وجودی مستقل قایل باشد، تصویری دگرگون و غیرواقعی از خود ساخته و در نهایت، به بحران هویت دچار می‌شود. هویت واقعی انسان به او این احساس را می‌دهد که خود را موجودی سراسر فقر، عین ربط به خالق، سراپا نیاز و مسکنت ببیند. ولی اگر خود را کسی فرض کند که خود واقعی‌اش نیست، مصداق بارز بحران هویت در او شکل می‌گیرد. از این‌رو، در اندیشه دینی قساوت دل، انعطاف‌ناپذیری در برابر کلام حق، موعظه‌ناپذیری و

اعتیادها...)، برای جبران ضعف‌ها و عقده‌های درونی فراهم می‌سازد، و به تدریج همه سرمایه‌های خدادادی‌اش را از دست می‌دهد و سبب بروز مشکلاتی در رابطه با دوستان و دیگران می‌شود. امام هادی علیه السلام فرمود: «هر کس خود را حقیر و پست بشمارد، از شر او در امان نیستی!»؛^(۳۶) یعنی انسانی که از توانایی‌ها و عظمت انسانی‌اش غافل است، به خاطر بحران هویت، هرگز قادر نخواهد بود راه درست زندگی کردن را دریابد. و در مقابل، «کسی که دارای کرامت نفس باشد (و عظمت وجودی‌اش را درک کند)، شهوات درپیش‌اوبی ارزش خواهند بود.»^(۳۷)

۳. عدم ارضای نیاز عاطفی

عواطف و احساسات انسان، همیشه نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌ها دارند. همه دختران و پسران طبیعتاً خواستار محبتند و دوست دارند که دیگران شخصیتشان را به حساب آورند، به آنان اهمیت بدهند، ابراز عشق و علاقه کنند و... اما عقل می‌گوید: جوانان باید این نیاز را در چارچوب زندگی مشترک و در محیط خانواده ارضا کنند، نه در خیابان؛ چراکه عشق‌های خیابانی (که اغلب زمینه‌اش را خودنمایی و عشوه‌گری در گفتار و پوشش لباس‌های غیرمتعارف فراهم می‌سازد)، عشق‌های دروغینی‌اند که برای سودجویی و بهره‌کشی از دیگران، صورت می‌گیرد. متأسفانه کسانی که در محیط خانوادگی، محبت لازم را نچشیده‌اند، بیشتر در معرض این خطرند. «هنوز آدمیان ژرفناکی گفتار پیامبر را دریافتند که چرا آن‌همه بر رعایت حقوق زنان و گرامیداشت مقام آنان تأکید می‌ورزید. او می‌دانست زنان به موجب لطافت روحی، شیفته محبت و

فراغت می‌دانند، با اینکه ممکن است در خانه و محیط اطراف خود مشکل حادی هم نداشته باشند، ولی فقط به خاطر اینکه در چند روز زندگی خوش باشند، دست به ارتکاب اعمال خلاف عرف و اجتماع می‌زنند. گاهی نیز افراد از نعمت خانواده و والدین بامحبت برخوردارند، اما به خاطر شکست در تحصیلات و ناتوانی در ادامه تحصیل، تحقیر معلمان و فشارهای بی‌مورد والدین مجبور می‌شوند خود را به گونه‌ای دیگر نشان دهند و این حکایت از میل به استقلال‌طلبی، قدرت‌طلبی و یا عافیت‌طلبی در نوجوانان و جوانان دارد که به دلیل عدم ارضای صحیح آن، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می‌زنند.^(۳۴) عده‌ای از نوجوانان نیز به دلیل روحیه تنوع‌طلبی و زیاده‌خواهی و عدم تربیت صحیح و عدم هدایت درست این غریزه طبیعی، دست به اعمال خلاف می‌زنند. گاهی هم عده‌ای ممکن است دارای زندگی مرفهی باشند و هیچ‌گونه کمبود مالی و عاطفی نداشته باشند، ولی به دلیل اینکه روحیه فاسدی دارند و بی‌بند و بارند و یا هدفی در زندگی ندارند، به بزهکاری و روابط ناسالم با دختران و پسران برای ارضای نیازجنسی و نیاز عاطفی میل پیدا می‌کنند.^(۳۵)

۲. عزت نفس پایین و احساس کهنتری

عزت نفس یعنی اینکه فرد برای خود ارزش انسانی قایل باشد و به خود اهمیت بدهد. اما کسی که فاقد عزت نفس است و یا عزت نفس پایینی دارد، دایم در معرض این پیام است که شکست در تجربه‌ها، به معنای شکست تمام وجود آنهاست، و این احساس، زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی (ناپوشیدگی و خودنمایی، دوستی‌های ویرانگر و

دنیایی از حسرت، اندوه، اضطراب، افسردگی، اعتیاد، تنبلی، احساس فقر و نداری و روابط غیرطبیعی و ناسالم به سر می‌برد. او خودش را فقیر و حقیر می‌شمارد. از این‌رو، به لذات آنی و زودگذر (پوشش نامتعارف و جلوه‌نمایی فسادآور) تن می‌دهد، در حالی که خود او اگر لحظه‌ای عاقلانه بیندیشد و از زندان باورهای غیرمنطقی و عواطف و احساسات منفی (یأس، احساس پوچی و نفرت از خود) رها شود، بهتر از دیگران می‌داند که به کدامین سو در راه است. او در حال معامله با شیطان، دشمن آشکار انسان، است و هر روز از هویت انسانی‌اش و از خدایی که مهربان‌ترین است فاصله می‌گیرد.

۵. ضعف حیا

طریحی می‌گوید: «حیا عبارت است از انقباض (گرفتگی) و انزوا (دوری‌گزینی) از کار زشت، به جهت ترس از مذمت مردم.»^(۴۱) و در اصطلاح، عبارت است از محصور شدن نفس و انفعال (درماندگی) آن در ارتکاب حرام‌های شرعی و عقلی و عرفی، به خاطر ترس از سرزنش و نکوهش مردم.^(۴۲) وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می‌شود که مبانی‌اش در زندگی چیست، به چهار مطلب اشاره می‌کند که یکی از آنها این است: «دانستم که خداوند بر من مطلع است پس شرم کردم.»^(۴۳) قرآن مجید، هنگام طرح داستان خلوت کردن زلیخا با حضرت یوسف علیه السلام، در بیان علت امتناع حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید: «و در حقیقت، (آن زن) آهنگ وی کرد، و (یوسف نیز) اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد.» (یوسف: ۲۴) امام سجاد علیه السلام در تفسیر «برهان پروردگار» می‌فرماید: زن عزیز مصر،

احترامند و اگر ایمان استواری نداشته باشند، در پی سیراب ساختن حسّ محبت‌خواهی خویش، به شیوه‌های ناروا، رو خواهند کرد و خود و دیگران را به رنج و مخاطره می‌افکنند.»^(۳۸) امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند بنده را به خاطر شدت علاقه‌ای که به فرزندش دارد، مورد ترحّم قرار می‌دهد.»^(۳۹) بنابراین، عدم ارضای نیاز عاطفی از سوی والدین یا همسران، منشأ بسیاری از جلوه‌گری‌ها و ناپوشیدگی بانوان می‌شود، که گاهی به جلوه‌های نامعمول جنسی منجر می‌گردد. کارن هورنای می‌نویسد: ارتباط زیادی بین محبت و تمایلات جنسی وجود دارد؛ مثلاً، بسیاری از تمایلات و کشش‌های جنسی، اولش با مهربانی و دوستی صاف و ساده شروع می‌شود، گاهی هم شخص ممکن است دارای تمایلات جنسی باشد، ولی خودش آن را با تمایل به مهرورزی اشتباه کند، چنان‌که کشش‌های جنسی هم ممکن است انگیزه احساسات محبت‌آمیز باشد یا کم‌کم مبدل به احساسات محبت‌آمیز گردد. پس ارتباط نزدیکی بین تمایلات جنسی و احساسات محبت‌آمیز وجود دارد، هرچند اینها دو نوع احساس متفاوت می‌باشند.»^(۴۰)

۴. یأس

«از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند.» (یوسف: ۸۷) نوجوان و جوانی که به توانمندی‌هایش اعتماد دارد و برای آینده‌اش اهداف و آرزوهای بلند، متناسب با استعدادها و علایقش ترسیم کرده است، با امید به آینده‌ای زیبا و درخشان، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزد. اما در دنیای یک انسان مأیوس، هیچ تصمیم زیبایی خلق نمی‌شود. انسان مأیوس، در

انسانی خود را بداند و از حیا برخوردار باشد، آیا هرگز اجازه چشم‌چرانی و امثال آن را به خود می‌دهد؟

۶. حاکمیت اندیشه‌های سکولار و فردگرایانه

اومانیسم و سکولاریسم، جوهره فرهنگی عصر جدید غرب است. در تفکر اومانیستی، انسان جای خدا می‌نشیند و انسان، محور همه چیز، خالق همه ارزش‌ها و ملاک تشخیص خیر و شر می‌شود. «اومانیسم، یعنی حاکمیت امیال»^(۵۰) از این‌رو، خدایان زر و زور، با استفاده از رسانه‌های نوین و ایجاد شبکه‌های ماهواره‌ای، فرهنگ ضدانسانی خود را به شدت تبلیغ می‌کنند، تا راه برای گسترش لیبرالیسم جنسی، فردگرایی افراطی، عادی‌سازی روابط دختر و پسر و حذف اعتقادات و حیانی هموار گردد. به راستی کسی که خدا را فراموش کرده و از فواید دستورات حیات‌بخش اسلام آگاهی ندارد، از چه نوع پوششی دفاع می‌کند؟ و چرا به ارتباطات ویرانگر، برای ارضای نیاز عاطفی و جنسی نپردازد؟ قرآن کریم درباره این افراد می‌فرماید: «تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌شناسند و آنان از آخرت [که سرای ابدی و دارای نعمت‌های جاودانی و حیات سرمدی است] بی‌خبرند.» (روم: ۷)

نتیجه‌گیری

بنابراین، هم شخصیت فرد در رفتارها و عواطف و چگونگی عکس‌العمل‌های فرد در مواجهه با رویدادهای زندگی نقش اساسی دارد و هم رفتارها به تدریج در شکل‌گیری ملکات، عادات و در نتیجه در شخصیت او مؤثرند. از این‌رو، برای ایجاد و یا تغییر رفتار در انسان (کودک و نوجوان...) در گام اول

به سوی بت رفت و پارچه‌ای بر روی آن انداخت. یوسف از او پرسید: برای چه این کار را کردی؟ پاسخ داد: شرم دارم از اینکه این بت، ما را ببیند! در این هنگام یوسف به وی گفت: «آیا تو شرم می‌کنی از چیزی که نه می‌شنود و نه می‌بیند و نه می‌فهمد و نه می‌خورد و نه می‌نوشد؛ ولی من شرم نکنم از کسی که بشر را آفریده و او را دانش آموخته است؟!»^(۴۴) آنچه باعث حیای زلیخا شد، ناظر بودن بت بود و آنچه مایه شرم حضرت یوسف علیه السلام شد، این بود که خداوند، آگاه و ناظر بر اعمال بشر است. امام صادق علیه السلام نیز با اشاره به نظارت فرشتگان بر اعمال آدمی می‌فرماید: «هر که در خلوت، زمینه گناه برایش فراهم شود و خداوند متعال را مراقب خود بداند و از فرشتگان نگاهبان، حیا کند، خداوند همه گناهان او را می‌آمرزد، هرچند به اندازه گناهان جن و انس باشد.»^(۴۵) بنابراین، اسلام منهای حیا، اسلامی کامل، اما عریان و نازیباست. در حقیقت، حیا، لباسی است که اسلام عریان را، زیبایی، آراستگی و چشم‌نوازی می‌بخشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «(اسلام، عریان است و حیا، لباس آن است.»^(۴۶) امام علی علیه السلام در این‌باره فرموده است: «بهترین لباس دین، حیاست.»^(۴۷) امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید: «حیا از ایمان و ایمان در بهشت است.»^(۴۸) «حیا و ایمان، در یک رشته و همدوش همند؛ چون یکی برود، دیگری هم خواهد رفت.»^(۴۹) واقعاً اگر دختری، باحیا باشد، هرگز در مقابل صدها چشم که او را برانداز می‌کنند، به نمایشگری نمی‌پردازد. به راستی اگر یک دختر جوان، ارزش وجودی‌اش و هدف از آفرینش خویش را بداند، آیا خود را در معرض نگاه‌های آلوده و مسموم دیگران قرار می‌دهد؟ و یا اگر یک پسر، قدر و قیمت

پی‌نوشت‌ها

1. Personality.

- ۲- علی اکبر دهخدا، فرهنگ دهخدا؛ حسن عمید، فرهنگ عمید، ذیل واژه شخصیت.
- ۳- لورنس ای پروین و اولیور پی جان، شخصیت (نظریه و پژوهش)، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، ص ۳؛ رک: یوسف کریمی، روان‌شناسی شخصیت، ص ۱۰.
4. H. C. Warren.
- ۵- سعید شاملو، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، ص ۱۰.
- ۶- ربرتو مایلی، ساخت، پدیدآیی و تحول شخصیت، ترجمه محمود منصور، ص ۱۷.
- ۷- ابوحامد غزالی، احیاء علوم‌الدین، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، ج ۳، ص ۹۳.
- ۸- همان، ص ۹۷.
- ۹- علی اصغر احمدی، روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، ص ۱۲-۱۴.
- ۱۰- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، ص ۴۶۲.
- ۱۱- سید محمدتقی مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۶، ص ۲۹۹.
- ۱۲- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۳، ص ۲۶۳.
- ۱۳- سیدروح‌الله موسوی خمینی، چهل حدیث، ص ۱۸۳-۱۸۴.
- ۱۴- عبدالله نصری، فلسفه آفرینش، ص ۲۶۸.
- ۱۵- دوان شولتز و الن شولتز سیدنی، نظریه‌های شخصیت، ص ۳۶۴.
- ۱۶- ذاریات: ۵۶.
- ۱۷- بقره: ۸۲؛ آل عمران: ۱۰۷.
- ۱۸- حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲.
- ۱۹- شعراء: ۳.
- ۲۰- عصر: ۱-۳.
- ۲۱- علق: ۱۴.
- ۲۲- اعراف: ۵۵.
- ۲۳- بقره: ۲۷۷.
- ۲۴- فضل بن حسن طبرسی، مکارم‌الاخلاق، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، ج ۲، ص ۳۸۵.
- ۲۵- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۸۰.
- ۲۶- محمدرضا محمدی، «جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان»، معرفت، ش ۳۸، ص ۲۸-۳۹.
- ۲۷- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، «پوشش و آرایش، آسیب‌ها و راهبردها»، حوراء، ش ۹، ص ۳.
- ۲۸- «وضعیت تکان‌دهنده فساد در مدارس غرب»، روزنامه رسالت، ش ۶۲۸۶، ۱۶ آبان ۱۳۸۶، ص ۱۸.

باید ساختار شخصیتی و هویتی‌اش را به گونه‌ای تربیت کرد، تا در فرد انگیزه لازم، برای انجام آن رفتار یا ترک آن به وجود آید، تا نظام باورها، اندیشه‌ها، ویژگی‌های روحی، اخلاقی و عادات فرد تغییر نکند، نمی‌توان انتظار داشت که رفتارها، عواطف و احساسات منفی‌اش در جهت مثبت و عقلانیت تغییر کنند. بنابراین، اگر جوانان عزیز کشورمان، از هویت انسانی و دینی برخوردار نباشند، یعنی هدف آفرینش انسان را ندانند، ندانند که چرا باید نماز بخواند، چرا باید رفتارها و عواطفشان را با قوانین الهی تنظیم کنند و چرا نباید زنان و مردان نامحرم، با هم روابط خارج از کانون خانواده برقرار کنند، و از این رفتارها، در فرایند تعلیم و تربیت، منتفر نشوند، هیچ‌امیدی برای سلامت فکری و رفتاری آنان وجود ندارد. از انسانی می‌توان انتظار احترام به ارزش‌های دینی و اسلامی را داشت که با خدا آشتی کرده باشد. او را از همه کس بیشتر و بیشتر دوست بدارد. خود را عبد، فقیر و بنده او بداند. بنابراین ابعاد شناختی (خودباوری، معادباوری و خودشناسی)، روانی (امیدواری، با حیا بودن، داشتن عزت نفس و خودباوری)، و عاطفی (حب و بغض‌ها با محوریت الهی، دوستی‌ها و دشمنی‌ها)، نقش اساسی در حلّ معضل روابط ناسالم دختران و پسران دارد. از این‌رو، بر والدین، معلمان، استادان و حوزویان است که تا دیر نشده، برای نجات نسل نوحاسته اقدام مسئولانه و سازنده‌ای انجام دهند تا جلوی گسترش فساد حاکم در روابط دختران و پسران را بگیرند، و با تلاش مستمر در جهت آموختن مهارت‌های زندگی خدمتی ماندگار به اسلام و سلامت خانواده و بهداشت روانی و رفتاری نوجوانان و جوانان نمایند.

منابع

- احمدی، علی اصغر، روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، چ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- بلاستر، آنتونی آر، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، بی‌تا.
- پروین، لورنس ای و اولیور پی. جان، شخصیت (نظریه و پژوهش)، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران، آبیژ، ۱۳۸۱.
- پورسیدآقایی، مسعود، حجاب میوه شناخت، قم، حضور، ۱۳۸۵.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، «پوشش و آرایش، آسیب‌ها و راهبردها»، حوراء، ش ۹، دی ۱۳۸۲، ص ۳-۱۲.
- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
- شاملو، سعید، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، تهران، چهر، ۱۳۶۳.
- شولتز، دوان، شولتز، سیدنی ال، نظریه‌های شخصیت، چ نهم، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۸۵.
- صدوق، محمدبن علی، من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، چ دوم، تهران، فراهانی، ۱۳۶۵.
- طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
- غزالی، ابوحامد، احیاء علوم‌الدین، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی،

- ۲۹- سایت علمی دانشجویان ایران، روان‌شناسی خانواده و ازدواج، انواع عشق، www.daneshju.ir
- ۳۰- پوران میرشاهی، ماده وجود زن، ص ۲۴۴.
- ۳۱- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۹، ص ۲۲۰.
- ۳۲- غلامرضا متقی فر، «هویت و بحران هویت»، معرفت، ش ۸۷، ص ۱۰۱-۸۶.
- ۳۳- مسعود پورسیدآقایی، حجاب میوه شناخت، ص ۲۵.
- ۳۴- محمد فولادی، «علل و عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آن»، معرفت، ش ۹۱، ص ۳۸، به نقل از: ایران جوان، ش ۱۴۹، ص ۴.
- ۳۵- محمد فولادی، بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، ص ۳۸.
- ۳۶- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۳۰۱.
- ۳۷- نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، حکمت ۴۴۹.
- ۳۸- یوسف غلامی، جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان، ص ۱۶۹.
- ۳۹- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۰.
- ۴۰- ابوالقاسم مقیمی حاجی، جوانان و روابط، ص ۵۶.
- ۴۱- فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۱، ص ۱۱۲.
- ۴۲- ملامهدی نراقی، جامع‌السعادات، ج ۳، ص ۴۶.
- ۴۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۸، ص ۲۲۸.
- ۴۴- همان، ج ۲، ص ۲۶۶.
- ۴۵- محمدبن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۱.
- ۴۶- همان، ص ۳۴۶.
- ۴۷- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غررالاحکم و دررالکلم، چ ۲۹۹۷.
- ۴۸- محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۰۶.
- ۴۹- همان.
- ۵۰- آنتونی آر. بلاستر، ظهور و سقوط لیبرالیسم غرب، ترجمه عباس مخبر، ص ۲۰۶.

- تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴.
- غلامی، یوسف، *جلوه‌نمایی زنان و نگاه مردان*، ج سوم، قم، لاهیجی، ۱۳۸۴.
- فولادی، محمد، «علل و عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آن»، *معرفت*، ش ۹۱، تیر ۱۳۸۴، ص ۴۶-۳۴.
- —، *بررسی میزان و عوامل اقتصادی اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم*، قم، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، ج دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۲.
- متقی‌فر، غلامرضا، «هویت و بحران هویت»، *معرفت*، ش ۸۷، اسفند ۱۳۸۳، ص ۱۰۱-۸۶.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۳.
- محمدی، محمدرضا، «جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان»، *معرفت*، ش ۳۸، بهمن ۱۳۷۹، ص ۳۹-۲۸.
- مقیمی حاجی، ابوالقاسم، *جوانان و روابط*، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۰.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *چهل حدیث*، ج پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
- میرشاهی، پوران، *ماده وجود زن (کندوکاوی درباره ذات زنانگی)*، تهران، میرشاهی، ۱۳۸۲.
- نصری، عبداللّه، *فلسفه آفرینش*، قم، معارف، ۱۳۸۲.
- «وضعیت تکان‌دهنده فساد در مدارس غرب»، *روزنامه رسالت*، ش ۶۲۸۶، ۱۶ آبان ۱۳۸۶، ص ۱۸.